

آداب و سنت‌های ازدواج در اروپای غربی

مترجم: جعفر راثی تهرانی

jafarrasi@gmail.com

مقدمه

هر یک از کشورهای اروپای غربی آداب و رسوم مخصوص به خود دارند. با وجود تفاوت‌هایی که در مراسم ازدواج مشاهده می‌شود، مشابهت‌هایی نیز موجود است که در این نوشتار ابتدا مشابهت‌ها بیان خواهند شد و سپس به نمونه‌هایی از آداب و رسوم هر کشور پرداخته خواهد شد:

انگشتر نامزدی: یکی از قدیمی‌ترین رسوم به‌جامانده، دادن حلقه یا انگشتر نامزدی است.

در سال ۸۶۰ میلادی پاپ نیکولاس اول اعلام کرد که تبادل انگشتر نامزدی (آنهم طلا) برای عقد پیمان زناشویی الزامی است. در قرن ۱۳ پاپ اینسنت سوم (Pope Innocent III) اعلام کرد که یک حلقه برای نامزدی و یک حلقه برای جشن ازدواج باید مبادله شود. ضمن اینکه بین نامزدی و عروسی مدتی باید وقفه ایجاد شود. طلا بودن انگشتر به معنی آن است که داماد مال و ثروت خود را نثار همسر آینده‌اش می‌کند.

۶۱۷ سال بعد از فرمان نیکولاس اول، این انگشتر طلا به نگین الماس مزین شد. در ۱۴۷۷ ماکسیمیلیان امپراتور رم به شاهزاده خانم مری (اهل بورگاندی) انگشتر نامزدی الماس‌نشان اهدا کرد و این رسم تا امروز پابرجاست و انگشتر الماس نشان نامزدی مورد علاقه دوشیزگان غرب اروپاست. اهدای انگشتر طلای نامزدی برای نخستین‌بار در ایتالیا مرسوم شد.

البته گفتنی است که رسم پختن کیک عروسی هم از ایتالیا شروع شده است. در قرن اول پیش از میلاد مسیح (ع) در مراسم ازدواج، کیک یا قرص نانی را بالای سر عروس می‌بردند تا بدین ترتیب باروری او تضمین شود.

ساق‌دوش: داشتن ساق‌دوش همراه داماد از آلمان شروع شده است. در روزگار قدیم رسم بر این بود که داماد عروس آینده را از روستای مجاور بر باید و نیرومندترین دوستش (ساق‌دوش) او را در این کار کمک کند. یکی از وظایف ساق‌دوش، حمایت از داماد و مبارزه با بستگان دختر بود که در جریان مراسم ازدواج احتمالاً مبادرت به پس‌گرفتن او از داماد می‌کردند.

شعر قافیه‌دار

Something old, something new, something
borrowed, something blue

در سال ۸۶۰ میلادی پاپ نیکولاس اول اعلام کرد که
تبادل انگشتر نامزدی (آنهم طلا) برای عقد پیمان
زناشویی الزامی است

بسیاری از آداب و رسوم ماندگار ازدواج کشورهای غرب
اروپا از انگلستان شروع شده‌اند. خواندن شعر قافیه‌داری که

راجع به چیزی جدید، چیزی قدیمی، چیزی عاریه و چیزی آبی‌رنگ است، امروز بخش مهمی از جشن‌های ازدواج است. هر چند که
شاید بسیاری از عروس و دامادها ندانند که ویژگی‌های این شعر چیست. «چیزی قدیمی» نماد استمرار است که اغلب شامل یک بند
کفش یا روسری مادر بزرگ یا یک قطعه جواهر قدیمی بود. «چیزی جدید» نماد امید به آینده است و می‌تواند هر چیز جدیدی از قبیل
پارچه نو، یا نواری باشد که به لباس عروسی دوخته می‌شود. «چیزی عاریه» نماد خوشبختی در زندگی مشترک است و اغلب یکی از
دوستان عروس که ازدواج موفق داشته آن را تهیه می‌کند. و بالاخره «چیزی آبی‌رنگ» که از قدیم رنگ پاکدامنی و صداقت بوده است و
در اکثر مواقع نوار پارچه آبی‌رنگی به پایین لباس ازدواج عروس و داماد دوخته می‌شد.

شوالیه‌های قدیمی هم رسمی به این مراسم اضافه کرده‌اند که داماد یک شاخه گل به یقه کت خود می‌زند. در روزگار قدیم رسم بر این
بود که شوالیه‌ها به هنگام وارد شدن به میدان مبارزه، یک شاخه گل یا دستمال رنگی متعلق به بانوی محبوب خود را به یقه لباس خود
می‌زدند. این رسم بعدها به این صورت درآمده است که داماد شاخه گلی را از دسته گل عروس برمی‌دارد و به یقه می‌زند.

لباس سفید: امروز، تصور عروس بدون لباس سفید بسیار مشکل و تاحدی ناممکن است. قبل از قرن ۱۶ میلادی این رسم مهم امروزی
رایج نبود. ملکه آن بریتانی (Ann of Brittany) (یکی از ایالت‌های فرانسه) در سال ۱۴۹۹ پوشیدن لباس سفید را برای عروس رواج داد.

پرتاب کفش کهنه به طرف کالسکه عروس و داماد در دوران تنودور (Tudor) رسم شد. اگر کفشی به کالسکه برخورد می‌کرد، آن را
نشانه خوش‌اقبالی می‌دانستند. رسم امروزی بستن کفش‌ها به عقب اتومبیل عروس و داماد، شکل تغییر یافته پرتاب کفش کهنه است.

حمل عروس روی دستها: هنگامی که عروس و داماد، پس از پایان مراسم به جلوی خانه خود می‌رسند، داماد عروس را روی
دست‌هایش می‌گیرد و برای اینکه پایش به آستانه در نرسیده باشد، او را برای اولین بار به این صورت به داخل خانه می‌برد. این رسم از
دوباور عامه نشأت می‌گیرد:

اول اینکه اگر عروس هنگام وارد شدن به خانه جدید پایش بلغزد یا پیچ بخورد، بداقبالی و بلا و مصیبت، زندگی مشترک او را تهدید
خواهد کرد. باور دوم این بود که ارواح خبیثه‌ای که در آستانه در ساکن هستند، به محض اینکه عروس پا به آستانه گذاشت، از طریق
پاهایش وارد بدن او می‌شوند و زندگی مشترک آن دو را تباه می‌کنند. البته رمانتیک‌ترین راه حل همان است که داماد عروس را روی
دست‌هایش بگیرد و از آستانه عبور دهد.

اکنون پس از اشاره به چند مورد مشترک به برخی از آداب و رسوم هر کشور می‌پردازیم.

آلمان

وقتی نوزاد دختری متولد می‌شود، چندین درخت به افتخار تولدش می‌کارند. در آستانه ازدواج و پس از مشخص شدن تاریخ عروسی، درختها را می‌فروشند و خرج تهیه جهیزیه‌اش می‌کنند.

رسم منحصر به فردی که در آلمان رواج دارد، چاپ روزنامه ازدواج از جانب خانواده و دوستان عروس و داماد است. این روزنامه یا کتابچه حاوی عکس‌ها، مطالب و خاطراتی از زوج است. در مراسم پذیرایی از میهمانها، این روزنامه‌ها را می‌فروشند و به عروس و داماد هدیه می‌کنند تا صرف هزینه ماه عسل شود.

مراسم ازدواج در آلمان به طور سنتی در واقع سه روز ادامه دارد. روز اول زوج آلمانی در یک محضر در مرکز شهر با حضور افراد خانواده و دوستان نزدیک، با عقد عرفی زن و شوهر می‌شوند. روز دوم، جشن بزرگ و اصلی برگزار می‌شود و عروس و داماد همه دوستان و همسایگان و آشنایان را دعوت می‌کنند. میهمانان بر طبق سنت بشقابهای کهنه‌ای را به نشانه خوش‌یمنی برای شکستن می‌آورند، تازه عروس و داماد، تکه‌های شکسته شده را جارو می‌کنند به این باور که در منزل آنان هرگز چیزی نخواهد شکست.

در روز سوم مراسم عقد شرعی برگزار می‌شود. به جز چند نفر دختر گل به دست کس دیگری عروس را همراهی نمی‌کند. گاهی در زمان بستن پیمان زناشویی، وقتی عروس و داماد زانو زده‌اند، داماد زانویش را روی لباس عروس می‌گذارد که بدین وسیله نشان دهد در روابط زناشویی حرف اول را خواهد زد. پس از سرپا ایستادن، بعضی از عروس‌ها پا روی پای داماد می‌گذارند تا خلاف آن را نشان دهند. عروس و داماد پس از خروج از کلیسا، سکه‌هایی را به طرف کودکان نظاره‌گر پرتاب می‌کنند. سپس مراسم پذیرایی از مهمانان شروع می‌شود. رسم بر این است که ساقدوش عروس را از مراسم پذیرایی بر باید و به میزده محل ببرد. آن دو در آنجا می‌مانند و نوشیدنی صرف می‌کنند تا داماد سر برسد و پس از پرداخت صورتحساب عروس را به مراسم برگرداند. در پایان مراسم دوستان عروس و داماد، همه درهای خروج از سالن پذیرایی را با روبان یا حلقه‌های گل مسدود می‌کنند تا عروس و داماد برای عزیمت به ماه عسل مجبور به پرداخت عوارض خروج شوند که البته در بیشتر مواقع، شامل قول برپایی یک میهمانی دیگر پس از بازگشت ماه عسل است.

اتریش

خواستگاری در اتریش در سالیان گذشته [دور] رسمیت بیشتری داشت. داماد، افراد خانواده یا دوستان خود را برای ابراز علاقه به دیدار خانواده دختر می‌فرستاد. این فرستادگان اگر در طی راه مرد نابینا، زن باردار یا راهبی را می‌دیدند، چنین می‌پنداشتند که این پیوند عاقبت خوشی نخواهد داشت و از خواستگاری منصرف می‌شدند ولی اگر سر راه خود بُز، کبوتر یا گُرگ می‌دیدند، این نشانه‌ها را

خوش‌یمن دانسته و یقین پیدا می‌کردند که این ازدواج توأم با خیر و خوشی است.

ازدواج زن با مردی که ابتدای نام خانوادگی‌اش با او یکسان باشد، بدشگون شمرده می‌شد و در شعری با این مضمون نمود پیدا می‌کرد:

To change the name and not the letter,
Is to change the worst and not the better.

تغییر نام که بدون تغییر حرف اول (نام خانوادگی) است، تغییری در جهت بدتر شدن است تا بهتر شدن. تازه عروس پیش از عروسی نباید نوشتن نام جدید خود را تمرین کند. این طور تصور می‌شود که وسوسه و گمراهی آینده‌اش را تبه می‌کند.

اگرچه بیشتر عروسی‌ها در روز شنبه برگزار می‌شود، این کار در گذشته بدیمن انگاشته می‌شد. البته جمعه‌ها را هم بدیمن می‌دانستند مخصوصاً جمعه‌ای که در سیزدهمین روز ماه واقع شده باشد، شعر معروف برگزاری عروسی را در نیمه اول هفته مسیحی توصیه می‌کند.

Monday for wealth, Tuesday for health, Wednesday the best of all, Thursday for losses, Friday for crosses, Saturday for no luck at all.

دوشنبه ثروت، سه‌شنبه صحت، چهارشنبه بهترین، پنجشنبه تلفات، جمعه درد و محنت، شنبه بدترین است. دوختن و آماده کردن لباس توسط خود عروس شگون ندارد و همچنین داماد نباید عروس را قبل از مراسم در لباس عروس ببیند، زیرا بداقبالی می‌آورد. عروس قبل از روز عروسی نباید لباس را به طور کامل بپوشد. بعضی عروسها یک کوک نهایی را برای موقعی می‌گذارند که درست قبل از عزیمت به محل برگزاری مراسم باشد. در مورد استفاده از تور روبند، این طور تصور می‌شد که عروس در مقابل ارواح خبیثه آسیب پذیرند و بدین وسیله از او حفاظت به عمل می‌آوردند.

در مورد استفاده از ترکیب گل‌های قرمز و سفید، خرافات آن را ممنوع کرده بود، زیرا نماد خون و بانداژ (پانسمان) محسوب می‌شوند. هنگامی که عروس عازم مراسم ازدواج می‌شد، یکبار نگاه کردن به آینه برایش خوشبختی می‌آورد، ولی نگاه دوم بدیمن انگاشته می‌شد. اگر در طول مسیر جاروی دودکش پاک‌کنی دید می‌شد علامت خوشبختی بود. گاهی می‌شد که خانواده عروس با دادن پول این امکان را ایجاد کنند. دیدن عنکبوت، گربه سیاه و رنگین‌کمان هم خوش‌یمن شمرده می‌شد. آب و هوای بد در روز عروسی نشانه شوربختی بود در حالی که در بعضی فرهنگها بارش باران را خوش‌یمن می‌دانند. می‌گفتند که آسمان ابری و وزش باد همراه خود زندگی پرتلاطم خواهد آورد و از طرف دیگر برف با بارش خود برایشان ثروت و باروری خواهد داشت.

ینگه (ساقدوش عروس) لباسی شبیه او می‌پوشید و برای درامان ماندن عروس از آسیب ارواح خبیثه نقش طعمه‌ای را برای گیج کردن آنها بازی می‌کرد.

اتریشی‌ها باور داشتند که در اولین خرید خانه، هر کسی زودتر چیزی بخرد، در روابط زناشویی مسلط می‌شود. بسیاری از عروس‌ها با خریدن چیزی کوچک مثل سنجاق از ینگه خود، درست بعد از پایان مراسم، خیال خود را راحت می‌کردند.

اسپانیا

از سالیان دور، عروس شکوفه‌های نارنج را در جشن ازدواج در دست می‌گیرد. از آنجا که درخت بهارنارنج به طور همزمان میوه و شکوفه می‌دهد، گل‌های آن را نماد خوشبختی و شادمانی می‌دانند. عروس و داماد قبل از ازدواج در کلیسا پیمان می‌بندند و داماد سیزده سکه به عروس هدیه می‌دهد که نشانه اعلام حمایت از اوست. تازه‌عروس هم این سکه‌ها را در کیسه کوچکی می‌گذارد و با خود به مراسم جشن عروسی می‌برد.

طبق رسوم اسپانیایی، عروس از دیرباز لباس ابریشم مشکی می‌پوشد و تور خوش‌بافت روی صورت خود می‌اندازد و داماد معمولاً پیراهنی گلدوزی‌شده به تن می‌کند که عروس خانم آن را با دستهای خود دوخته و آماده کرده است. در جریان مراسم عروسی مهمانان رقص سنتی *Sequidillas manchegas* را اجرا می‌کنند و به عروس و داماد هدایایی می‌دهند.

اسکاتلند

اسکاتلند همیشه رسوم مخصوص به خود داشته است و ازدواج هم در این کشور آداب و رسوم ویژه‌ای دارد. امروزه عروسی‌های اسکاتلندی تلفیقی از مراسم رایج در مناطق باستانی کوهستانی (Highland) و مراسم جدید و ساده است. پیدایی آداب و رسوم عروسی در اسکاتلند به قرن سیزدهم برمی‌گردد؛ یعنی قبل از اینکه نظام قرون وسطایی کلیسای اعلام کند که هر عروسی باید در سه یکشنبه متوالی برگزار شود. اجرای این‌گونه مراسم بیش از شش قرن به طول انجامید و نهایتاً به یک اعلام ساده قصد ازدواج و کسب مجوز از مقامات محلی منجر شد.

امروزه دیگر هیچگونه نیازی به اعلام قصد ازدواج در کلیسا در سه یکشنبه متوالی نیست، اما لازم است زوج‌های جوان یک‌بار تصمیم خود را (به اطلاع عموم) برسانند، البته در قالب روشی جدید و برای احترام گذاشتن به سنت‌های قدیمی.

«سبدکشی داماد» یکی دیگر از آداب و رسوم اسکاتلندی است که طی آن داماد باید یک سبد بزرگ پر از سنگ را بر پشت خود بگذارد و آن را از یک طرف دهکده به طرف دیگر حمل کند تا آنکه عروس از خانه بیرون بیاید و او را ببوسد. در روز عروسی همه اهالی روستا برای همراهی با زوج جوان به طرف کلیسا به راه می‌افتند. اولین مراسم جلوی در کلیسا انجام می‌شود و کشیش خطبه عقد را به زبان اسکاتلندی قرائت می‌کند. سپس کشیش جمعیت را به داخل کلیسا هدایت می‌کند و این بار مراسم ازدواج به زبان لاتین اجرا می‌شود.

در پایان مراسم عقد، عروس و داماد حلقه‌هایی را مبادله می‌کنند؛ حلقه‌هایی که ابتدا و انتهای ندارند و نماد عشق پایان‌ناپذیرند. در ادامه مراسم عروس و داماد به همراه مهمانان برای شرکت در جشن مفصل به طرف خانه یکی از وابستگان به راه می‌افتند و نوازندگان نی‌انبان سنتی اسکاتلندی در طول راه و مهمانی به نواختن آهنگهای شاد می‌پردازند. جشن پایکوبی و شادمانی تا نزدیکی‌های صبح ادامه می‌یابد. عروس و داماد قبل از بقیه می‌رقصند و دیگران به آنان می‌پیوندند. بعد از ختم عروسی، زوج جوان به خانه هدایت می‌شوند و

داماد عروس را روی دستپایش از آستانه در می‌گذرانند. سپس کشیش برای آن دو دعا می‌کند و وقتی همه از خانه خارج شدند یکبار دیگر برای عروس و داماد طلب عافیت و برکت می‌کند و زن و شوهر را تنها می‌گذارد.

امروزه در اسکاتلند مراسم عروسی چندان رسمی و تشریفاتی برگزار نمی‌شود. معمولاً یک هفته قبل از عروسی، طی مراسمی جهیزیه دختر را به مهمانان نشان می‌دهند، که در برخی فرهنگها با مراسم جهازدادن داماد مطابقت می‌کند. در این مراسم، هر یک از مهمانان هدیه‌ای برای عروس می‌آورند تا به تهیه لوازم زندگی مشترک آن دو کمک کرده باشند. بسته‌بندی همه هدایا در مقابل حضار باز می‌شود و مادر عروس با چای و شیرینی از مهمانها پذیرایی می‌کند.

لباس عروس اسکاتلندی بلند و سفید است و داماد کت و دامن اسکاتلندی مخصوص می‌پوشد. در جریان حرکت عروس و داماد به طرف محراب کلیسا نی‌انبان نواخته می‌شود یا اینکه عده‌ای سرودهایی به زبان بومی اسکاتلندی می‌خوانند.

عروس و داماد پیمان زناشویی را به زبان اسکاتلندی یا انگلیسی همزمان ادا می‌کنند و پس از مراسم سوگند، داماد یک تکه پارچه رنگی تارتان (پارچه پیچازی اسکاتلندی) قبيله خود را به لباس عروس سنجاق می‌کند. این کار نشان‌دهنده آن است که عروس یکی از اعضای خانواده او شده است.

مراسم در یک خانه بزرگ یا رستوران ادامه می‌یابد و طی آن به افتخار عروس و داماد نی‌انبان نواخته می‌شود و یکی از نوازندگان کارد تیغه بلندی را به عروس می‌دهد تا با آن کیک عروسی را ببرد که برطبق رسوم، هنگامی که عروس اولین قطعه کیک را می‌برد، داماد دستش را روی دست او می‌گذارد و هر دو این کار را به پایان می‌برند.

انگلستان

عروس و داماد، پیاده پشت سر دختر کوچکی به طرف کلیسا می‌روند. دختر بچه گل‌های عروسی را روی زمین پخش می‌کند. پیاده رفتن در این مسیر پوشیده از گل به طور نمادین برای ابراز امیدواری زندگی شاد و محبت‌آمیز عروس و داماد است. ینگه‌های عروس در انگلستان لباسهایی بسیار شبیه لباس عروس می‌پوشند تا هیچ بدخواه، شرور و حسودی نتواند او را تشخیص داده و به او چشم‌زخم برساند.

رسوم کهن عروسی انگلیسی ایجاب می‌کند که عروس یک نعل اسب برای خوش‌یمنی همراه داشته باشد. به همین دلیل عروس یک نعل اسب نقره‌ای مخصوص عروسهای سلطنتی انگلیس به لبه لباس خود می‌دوزد.

پیمان زناشویی جلوی در کلیسا ادا می‌شود، تا هرکسی که می‌خواهد، شاهد این مراسم باشد.

کیک سنتی عروس در انگلیس از نوع میوه‌ای است که معمولاً با کشمش، زردآلو، گیلاس و مارزی پان (Marzipan) (نوعی مایه شیرینی حاوی مغز بادام و تخم‌مرغ و ...) تهیه می‌شود. لایه بالایی این کیک را «کیک مسیحی شدن» می‌نامند و عروس و داماد آن را برای

مصرف در مراسم غسل تعمید اولین فرزند خود نگه می‌دارند.

کیک میوه‌ای عروس در مراسم جشن ازدواج همراه با کیک سنتی دیگر به نام کیک داماد مصرف می‌شود. کیک داماد هم در زمانهای قدیم از نوع میوه‌ای بوده است ولی امروزه بیشتر مواقع شکلاتی است.

یک رسم منحصر به فرد مربوط به دوران ویکتوریایی در مراسم ازدواج «روبان‌کشی» است. برای هر یک از ینگه‌های عروس یک آویز نقره‌ای کوچک تمام‌عیار خریداری می‌کنند، به هر آویز روبان گره زده می‌شود و هنگام پختن کیک آنها را بین لایه‌های آن قرار می‌دهند. قبل از اینکه عروس و داماد کیک را ببرند، ینگه‌ها جمع می‌شوند تا هر نفر یک روبان را بکشد و با درآوردن آن قطعه نقره‌ای به آینده خود امیدوار شود.

انگلیسی‌ها باریدن باران در روز عروسی را نشانه خوشبختی می‌دانند. در سالیان دور، دوستان مجرد داماد، جورابه‌های خود را درمی‌آوردند و به سوی داماد پرت می‌کردند. صاحب اولین جورابی که به بینی داماد اصابت می‌کرد، داماد بعدی بود.

ایتالیا

از سالیان دور جشن نامزدی همیشه با آوازخوانی دسته‌جمعی خانواده عروس و داماد همراه بوده است. در جریان خواستگاری اصل و نسب از مهمترین مسائل بود و اگر پدر و مادر در این مورد شکی داشت ادامه کار متوقف می‌شد. در برخی موارد یک نفر واسطه پیامی به خانواده عروس می‌رساند و اگر خانواده عروس موافقت خود را اعلام می‌کردند، ناقوس (زنگ) عروسی به صدا درمی‌آمد. دادن حلقه عروسی الماس‌نشان از سالهای ابتدایی قرن پانزدهم در بین ایتالیایی‌ها رایج بوده است. ایتالیایی‌ها عقیده دارند که الماس را شعله‌های عشق و محبت می‌آفریند.

عروس در مقدمات آماده‌شدن برای روز عروسی، جهازی را شامل مقداری پول، وسایل خانه، لباس و گاهی لباس برای همسر آینده‌اش به خانه داماد می‌برد.

در ونتو (Veneto) که ونیز مرکز آن است رسم بر این است که عروس و داماد با پای پیاده به کلیسای کوچک محلی بروند. اهالی در مسیر عروس موانعی قرار می‌دهند تا عکس‌العمل او را هنگام برخورد با موانع و مشکلات ببینند. به عنوان مثال اگر او جارویی را که سر راهش گذاشته شده است بردارد، همیشه خانه‌ای تمیز خواهد داشت.

اگر بچه‌ای را در مسیر عروس و داماد قرار دهند و عروس برای کمک به او توقف کند، مادری مهربان خواهد بود.

در بعضی از مناطق عروس و داماد قبل از رسیدن به مکان عروسی باید کنده درختی را از وسط با یک اره دو دسته ببرند. این عمل همراهی و تفاهم آنان را در زندگی مشترک نشان می‌دهد.

گره‌زدن یک روبان در جلوی کلیسا به نشانه پیوند میان عروس و داماد یکی دیگر از آداب ازدواج در ایتالیاست. برطبق سنت قدیمی مسیحی، ازدواج در ایام چله روزه (Lent) چهار هفته قبل از کریسمس (Advent) و ماههای مه و آگوست نهی شده است.

در ایتالیا داماد برای دفع ارواح خبیثه، باید یک قطعه آهن در جیب خود بگذارد و عروس با تور صورت خود را از ارواح حسود بپوشاند. پاره کردن این تور خوش‌یمن شمرده می‌شود.

ازدواج در روز یکشنبه بیشترین خوشبختی را به همراه می‌آورد.

داشتن هرگونه زینت طلا در روز عروسی و قبل از مبادله حلقه عروسی برای تازه‌عروس بدشگون است. غذاهای نمادین ایتالیایی که برای خوش‌یمنی باروری تهیه می‌شود عبارتند از: کان‌فتی (Confetti) که شیرینی مغز بادامی است و آن را در کیسه‌های توری کوچکی می‌گذارند و به سوی عروس و داماد پرتاب می‌کنند. همچنین شیرینی پاپیونی که روی آن شکر می‌ریزند و به آن واندا (Wanda) می‌گویند. طبق رسم (buste) عروس یک کیف از جنس ساتن با خود حمل می‌کند و مهمانان پاکت‌های حاوی پول را در آن می‌گذارند تا به مخارج عروسی مفصل ایتالیایی کمک کرده باشند. بعضی اوقات مادر بزرگ عروس در طی مراسم این کیف را نگه می‌دارد و گاهی عروس تا آخر مراسم آن را حمل می‌کند تا مردان مهمان در قبال رقصیدن با او پولی را در آن بگذارند.

قبل از اینکه مراسم به پایان برسد، معمولاً عروس و داماد لیوانی را می‌شکنند. تعداد قطعات لیوان شکسته‌شده نشان دهنده سالهایی است که آن دو با خوشبختی خواهند گذراند.

در بعضی از عروسی‌ها، یک جفت کبوتر سفید را به نشانه عشق و شادمانی آزاد می‌کنند.

ایرلند

حلقه عروسی ایرلندی، کلادا (Claddagh) نامیده می‌شود که شامل قلبی است که دو دست آن را گرفته‌اند و تاجی در بالای آن قرار دارد. دستها نمایانگر وفاداری، تاج نشان دهنده عزت و افتخار و قلب نماد عشق است. روی حلقه این جمله نوشته شده است: «اجازه دهید عشق و دوستی حکمفرما باشد.»

اگر زنی حلقه مزبور را در دست راست خود طوری به انگشت کرده باشد که نوک قلب به طرف ناخن باشد، یعنی اینکه مجرد است، ولی اگر نوک قلب به طرف داخل باشد نشان دهنده آن است که نامزد دارد. در نهایت اگر زنی حلقه را در انگشت دست چپ داشته باشد یعنی ازدواج کرده است.

هنگامی که عروس و داماد با پای پیاده از خیابان اصلی به سوی کلیسا می‌روند، کسانی که به نظاره ایستاده‌اند به طرف آنها برنج می‌پاشند تا برای آنها خوش‌یمنی داشته باشد، البته گاهی اشیای بزرگتری مثل ماهی‌تابه و قابلمه نیز به سوی عروس و داماد پرتاب می‌کنند.

عروس ایرلندی طبق سنت به جای لباس سفید، لباسی به رنگ آبی می‌پوشد.

گیاه اسطوخودوس انگلیسی، نماد باستانی عشق، وفاداری و ایثار و حتی خوشبختی است که اغلب به دسته گل عروس اضافه می‌شود تا پایه‌های ازدواج را مستحکم‌تر و شاد سازد.

رسم دیگری که در ایرلند جاری است، این است که عروس موهای خود را در روز عروسی می‌بافد. موهای بافته‌شده در ایرلند باستان نماد قدرت زنانه و خوشبختی محسوب می‌شد.

ازدواج در روز سنت پاتریک (قدیس حامی ایرلند) خوش‌یمن‌ترین تاریخ برگزاری مراسم عروسی به شمار می‌آید.

بلژیک

در بلژیک رسم است که عروس و داماد برای اعلام تصمیم به ازدواج خود سفارش چاپ کارت دعوتی را در دو صفحه بدهند: یک صفحه از طرف خانواده عروس و صفحه دیگر از طرف خانواده داماد، که نشان‌دهنده اتحاد و همبستگی دو خانواده و شراکت آنها در این ازدواج است.

برطبق یک رسم قدیمی، عروس طی حرکت به طرف محراب کلیسا، از بین جمعیت حاضر، مقابل مادرش می‌ایستد و شاخه گلی را به او تقدیم می‌کند، سپس مادر و دختر یکدیگر را در آغوش می‌گیرند. در اواخر مراسم و در جریان نواخته‌شدن سرود پایان، عروس و داماد به طرف مادر داماد می‌روند و تازه عروس شاخه گلی را به مادر شوهر خود اهدا می‌کند و سپس آن دو یکدیگر را در آغوش می‌گیرند. این حرکت نشان‌دهنده آن است که عروس، مادر جدید خود را پذیرفته است.

یکی دیگر از رسوم مهم عروسی در بلژیک این است که عروس دستمال گلدوزی‌شده‌ای را با خود حمل می‌کند که نام خودش روی آن گلدوزی شده است. این دستمال را پس از عروسی قاب می‌کنند و در خانه پدری به افتخارش به دیوار می‌آویزند. پس از اینکه دختر بعدی آن خانواده ازدواج کرد، آن دستمال را از قاب خارج می‌کنند و نام عروس جدید را روی آن گلدوزی کرده و به صاحب اصلی آن باز می‌گردانند. دستمال عروسی از نسلی به نسل دیگر سپرده می‌شود و آن را میراث خانوادگی ارزشمندی می‌دانند.

در مراسم ازدواج، عروس و داماد را روی صندلی‌های بزرگی نزدیک محراب می‌نشانند. این کار یعنی اینکه آنها در این روز و در این مکان شاه و ملکه هستند. در پایان مراسم، داماد حلقه عروسی را در سومین انگشت دست چپ عروس قرار می‌دهد. بلژیکی‌ها عقیده دارند که از این انگشت یک رگ مستقیماً به قلب می‌رود که جایگاه عشق و محبت است.

ینگه‌های عروس مقداری سکه با خود به همراه دارند و پس از خروج عروس و داماد از کلیسا، آن سکه‌ها را به طرف فقرا خارج از کلیسا می‌اندازند تا سعادت و شادابی عروس و داماد تضمین شود.

فرانسه

رسم جهازدادن به عروس از فرانسه شروع شده است. پوشیدن لباس سفید عروسی از چندصد سال پیش در فرانسه رواج داشته است. استفاده از گل‌های خوشبو در تزیین ساختمان و دسته گل عروس سالیان طولانی مورد پسند عامه مردم بوده است. هر گلی معنای خاص و منحصر به فردی برای عروس و داماد دارد؛ به ویژه گل‌های خوشبو که قبل از اختراع عطر و اسپری به طراوت بخشیدن محیط کمک می‌کردند. صدای ناقوس (زنگ) عروسی در فرانسه معمولاً در فصل بهار و تابستان شنیده می‌شد که هوا برای استحمام و آب‌تنی به قدر

کافی گرم و مناسب بود. امروزه هنوز هم رسمی در دهکده‌های کوچک وجود دارد که برطبق آن داماد از عروس دعوت می‌کند صبح روز عروسی به خانه‌اش بیاید.

در جریان رفتن عروس و داماد به طرف کلیسای محل، بچه‌ها با نوار یا روبان سفید جاده را می‌بندند و عروس آن را قطع می‌کند. داماد معمولاً پیش از شروع مراسم، مادرش را در راهروی منتهی به سالن اصلی همراهی می‌کند. پس از اینکه مراسم به پایان رسید، عروس و داماد پس از خروج از محل اجرای مراسم، در مسیری حرکت می‌کنند که با برگهای درخت بو پوشانده شده است. پس از عزیمت عروس و داماد به خانه، و گاهی در اولین شب زندگی مشترک، دوستان زوج جوان پشت پنجره خانه آنها می‌آیند و با به صدا درآوردن ماهی‌تابه و قابلمه با صدای گوش‌خراشی آواز می‌خوانند. در این هنگام داماد آنها را برای صرف نوشیدنی و شام مختصر به داخل منزل دعوت می‌کند.

هلند

در صورتی که پدر عروس توانایی تأمین جهیزیه را نداشته باشد، دوستان عروس به یاری او می‌شتابند و با دادن هدایایی جهیزیه او را کامل می‌کنند.

عروس و داماد در روز عروسی، زیر درخت کاج روی صندلی می‌نشینند و مهمانان به نزدشان می‌آیند و ضمن تبریک گویی، برایشان آرزوی سعادت و سلامت می‌کنند.

در پذیرایی جشن ازدواج هلندی غذاهای سنگین صرف می‌شود که از جمله می‌توان به گوشت شیرین اشاره کرد که به «شکر عروسی» نامیده می‌شود و غذاهای دیگری که به نام «اشک عروس» معروف است.

عروس و داماد پس از ازدواج در اطراف منزل گل سوسن می‌کارند که نمادی از بازگشت شادمانی است. زوج جوان در هر فصل با دیدن شکوفه‌های سوسن خاطرات ازدواج را زنده می‌کنند.

سوئیس

دختر خانمی که ازدواج می‌کند یک تاج گل سنتی بر سر می‌گذارد که نشان‌دهنده کدبانوگری است. پس از پایان مراسم ازدواج و بستن پیمان زناشویی، تاج گل را از سر برمی‌دارد و می‌سوزاند. اگر به سرعت بسوزد، یقین می‌کنند که عروس خوشبخت خواهد شد. پس از اینکه عروس و داماد در منزل جدید زندگی مشترک را آغاز کردند، درخت کاجی را در حیاط می‌کارند که نشان‌دهنده باروری است.

منبع:

<http://www.worldweddingtraditions.com>